

... سرخط

تنهایی ستاره

محمد مبینا

دخترک کنار پنجره آمد، حلقه اشک در چشم هایش جمع شده بود، سرش را که بر شانه شیشه گذاشت، بخار دهانش شیشه را کدر کرد... ستاره چند روزی بود که بی قرار بود، او نیمه های شب به حیاط می رفت و به آسمان نگاه می کرد، مادر بزرگ در قصه هایش به او گفته بود هر کس در آسمان ستاره ای دارد... ولی او هر چه به آسمان نگاه می کرد، ستاره اش را پیدا نمی کرد، ستاره اکنون بی تاب بود. گلدان کوچک گل ستاره کم کم زرد و دخترک روز به روز لاغرتر می شد و در مدرسه کمتر با بچه ها حرف می زد... مادر و پدر خسته از کشیدن باز زندگی شب ها روز می خوابیدند و صبح هنوز ستاره ها از آسمان نرفته بودند که از خانه خارج می شدند... تنهایی، دیوار و چندقه ابر دنیای کوچک ستاره را تیره کرده بود. دیگر عروسک ستاره خوب می دانست که ستاره هر روز و هر شب چه قصه ای را برای او تعریف می کند! مامان مراد دوست ندارد، او هیچ وقت مرا بغل نمی کند ولی من تور ادوست دارم، بغلت می کنم و موهایت را شانه می کنم، ای کاش یک داداش کوچولو داشتم تا پدرت می شد آن وقت او هم مثل من هر شب تورا بوس می کرد. عروسک نازم من هیچ وقت نمی گذارم که تو تنها باشی، هر شب برای این که ترستی تورا پیش خودم می خوابانم ولی من شب هایم ترسم، مامانی می گوید باید در اتاق خودت تنها باشی! اشک های ستاره شروع به ریختن کرد، بادی بی رحمانه گلدان کوچک را که لب ایوان نشسته بود تکان می داد، سایه درخت بید بر دیوار اتاق ستاره افتاده بود که مادر و پدر رسیدند... وقتی مادر عروسک زیبایی را که خریده بود به ستاره داد، پدر به او گفت: تولدت مبارک. آن شب وقتی مادر شنید که ستاره قصه تنهایی اش را برای عروسک جدید و قدیمی می گوید قطره های اشک از چشم هایش سر از پر شد. صبح وقتی ستاره بیدار شد دید کنار مادرش خوابیده است و پدر آن روز به سرکار نرفته بود و مادر می خواست ستاره را با خود به گردش ببرد. شب شده بود مادر قول داد ستاره را هر روز در آغوش بکشد و شب ها برایش لالایی بخواند و پدر هم... شب وقتی ستاره با دو عروسکش به حیاط رفت گلدان کوچکش سبز شده بود.

اخبار کوتاه

باز داشت دزد بیمارستان های شمال پایتخت

مرد جوان که برای کار به تهران سفر کرده بود در بیمارستان های شمال تهران از آب در آمد. این مرد وقتی برای استراحت در نقش همراه بیمار وارد بیمارستان شد، دست به سرقت گواشی موبایل از همراهان بیمار زد. چندی قبل تعدادی از همراهان بیمار با مراجعه به دفتر انتظامات بیمارستان های شمال تهران در خصوص سرقت گواشی شان در ساعت ملاقات در بیمارستان ها شکایت داشتند. تحقیقات حکایت از آن داشت که سرقت ها در ساعت ملاقات اتفاق افتاده و ماموران با توجه به این که سارق به عنوان همراه در بخش های عمومی تردد دارد چهره سارق را شناسایی کردند و تصویری از چهره این دزد در اختیار ماموران پلیس بیمارستان ها قرار داده شد. ماموران بیمارستان ها با کنترل تردد افراد عبوری، دزد را در بیمارستان شناسایی کردند و موفق شدند وی را که پس از سرقت موبایل یکی از همراهان بیمار، قصد خروج از بیمارستان داشت، دستگیر کنند. دزد جوان ابتدا اصرار بر بی گناهی کرد اما با دیدن تصاویر ضبط شده دوربین های مدار بسته لب به سخن باز کرد و گفت: از یکی از شهرستان ها برای کار به تهران آمدم و چون شب ها محلی برای خوابیدن نداشتم به بیمارستان های شمال تهران مراجعه می کردم و در قسمت استراحت همراهان بیمار می خوابیدم تا این که یک شب گواشی یکی از همراهان را سرقت کردم و این اولین سرقت باعث شد که در طول یک ماه اخیر که در تهران حضور دارم دست به سرقت ۲۰ گواشی موبایل بزنم.

دزدی های ۲ جوان تهرانی برای خوش گذرانی

دو دزد موتور سوار برای خوش گذرانی هایشان روزی ۱۵ گواشی موبایل سرقت می کردند. ساعت ۹ شب پنج شنبه ۴ مهر ماموران کلانتری ۱۱۰ شهدا هنگام گشت زنی در نزدیکی میدان شهدا، خیابان شکوفه متوجه رفتار دو جوان موتور سوار شدند. ماموران رفتار این دو موتور سوار را تحت نظر قرار دادند تا این که دو جوان موتور سوار به مرد جوانی نزدیک شدند و گواشی همراهش را قاپیدند و به سرعت از محل گریختند. ماموران بلافاصله برای دستگیری هر دو موتور سوار وارد عمل شدند و پس از گذشت مدتی تعقیب و گریز، موتور سواران که با سرعت زیادی در حال حرکت بودند با یک خودروی سواری برخورد کردند و روی زمین افتادند. هر دو دزد که به صورت پیاده قصد فرار داشتند توسط ماموران دستگیر شدند. نادر و وحید در بازجویی ها، سرقت های خود را برای خوش گذرانی دانستند و خریدار موبایل ها در مولوی تهران را به ماموران معرفی کردند.

اجیر کردن شیطان برای انتقام از همکلاسی



سیاوش ۲۱ ساله نیز در دفاع از خود گفت: سهراب بچه محلمان بود وقتی از او شنیدم پویا ادیتش می کند و مدام با همکلاسی اش مشکل داره، دلداری اش دادم تا این که او از من خواست پویا را گوشمالی بدهم در واقع من به خواسته بچه محل مان وارد دعوی دو پسر نوجوان شدم. پسر شیطان صفت گفت: من برای آشتی دادن سهراب و پویا رفته بودم آن ها را سوار بر موتور به سرخه حصار بردم اما وقتی دیدم پویا به جای آشتی کردن بار دیگر در پارک با سهراب درگیر شد عصبانی شدم. اصلا قرار نبود اتفاقی بین ما بیفتد اما از روی خشم و تنها برای گوشمالی دادن به پویا دست درازی کردم اما اصلا تجاوزی در کار نبود. با این حال خیلی پشیمانم که او را در این حد هم اذیت کرده ام.

بنابه این گزارش؛ در پایان جلسه قضات دادگاه وارد شور شدند تا رأی را صادر کنند.

پسر نوجوان در پارک جنگلی هدف اقدام شیطانی یک آشنا قرار گرفت.

عامل این اقدام شوم وقتی بازداشت شد ادعا کرد انگیزه اش تنبیه پسر نوجوان بود!

سناریوی تلخ

اواخر تابستان امسال بود که پلیس تهران خود را در برابر یک تراژدی تلخ دید که در آن پسر ۱۵ ساله ای هدف نیت شیطانی قرار گرفته بود. پویا که گریبان و وحشت زده بود، همراه پدرش به پلیس آگاهی تهران رفت و از دسیسه همکلاسی اش پرده برداشت.

پویا گفت: یکی از همکلاسی هایم به نام سهراب و یک مرد جوان به نام سیاوش به من تعرض کردند. پسر نوجوان ادامه داد: مدتی بود با یکی از همکلاسی هایم به نام سهراب درگیر بودیم... ما چند نوبت با هم دعوا کردیم و هر روز در مدرسه با هم لجبازی می کردیم. آخرین بار سهراب همراه مردی جوان سوار بر موتور دنیا هم آمدند. آن مرد سیاوش نام دارد. او مدام می گفت قصد دارم من و سهراب را با هم آشتی دهد. او از من خواست تا سوار موتورش شوم. من در حوالی میدان امامت سوار موتور آن ها شدم و ما همراه هم به پارک جنگلی سرخه حصار رفتیم. آن جا سهراب ایستاد و کشیک داد و سیاوش مرا آزار داد.

بازداشت شیطان

با این ادعاها و همزمان با تایید پزشکی قانونی که نشان می داد پویا هدف تجاوز قرار گرفته است دستور بازداشت سهراب ۱۶ ساله صادر شد و این همکلاسی انتقام جو پس از دستگیری فاش کرد به خاطر کینه ای که از پویا داشته است از دوستش به نام سیاوش خواسته بود تا پویا را گوشمالی دهد.

همین اقرار کافی بود تا با راهنمایی های سهراب، ماموران به تعقیب سیاوش بپردازند و او نیز به دام افتاد.

سیاوش که ابتداسعی داشت خود را بی گناه نشان دهد وقتی خودش را در برابر پویا آن هم با چشمانی گریان و سهراب دید، چاره ای جز اقرار ندید و پذیرفت به پسر دانش آموز در پارک جنگلی سرخه حصار تجاوز کرده است.

دردادگاه

سهراب و سیاوش دیروز در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند و خواستار بخشش شدند.

در ابتدای جلسه، پویا در جایگاه ایستاد و با بیان این که روزهای سختی را بعد از اتفاق سرخه حصار داشته است و هر روز کابوس می بیند ادعا کرد نمی تواند از اقدام همکلاسی اش و سیاوش چشم پوشی کند و خواستار مجازات آنان است. سپس سهراب در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من و پویا مدتی بود با هم درگیر بودیم. به همین دلیل چون سیاوش را از قبل می شناختم و او بچه محل مان بود از او خواستم تا همراهم بیاید و پویا را ادب کند. اما من نمی دانستم قرار است او را به سرخه حصار ببرد و آزار دهد.

مردی سر زده به خانه اش بازگشت

قتل پسر ۱۷ ساله در خانه زن خیاط

مردی در بازگشت سر زده به خانه اش با پسری نوجوان روبه رو شد و او را به قتل رساند. مرد خشمگین در برابر فرار مهمان شومش با پرتاب چاقوی غلافدار به سمتش او را به قتل رساند. این مرد که یک بار محاکمه شده بود صبح دیروز برای دومین بار در دادگاه از خود دفاع کرد.

صحنه باور نکردنی

هجدهم تیر سال ۹۶ پلیس ورامین گزارش عجیبی دریافت کرد که در آن یک پسر ۱۷ ساله به نام حسن هنگام فرار از خانه مردی، با ضربه چاقو به شدت زخمی شده است و با مرگ دست و پنجه نرم می کند.

پسر نوجوان در بیمارستان تحت مراقبت های ویژه قرار داشت و وقتی ماموران پلیس وارد عمل شدند در بیمارستان از پزشکان شنیدند پسر زخمی به دلیل شکافته شدن قلبش و خونریزی شدید به کام مرگ فرو رفته است.

یک جنایت

وقتی این اقدام خونین به یک جنایت تبدیل شد، ماموران اداره ویژه قتل پلیس آگاهی ورامین برای رازگشایی دست به تجسس های میدانی زدند و عامل قتل را که مردی به نام مصطفی بود تحت تعقیب قرار دادند.

اعتراف

مصطفی ۵۰ ساله خیلی زود بازداشت شد و که از مرگ پسر نوجوان شو که بود پذیرفت عامل مرگ است اما ادعا کرد قصدی برای قتل نداشته و از روی عصبانیت و غیرت چاقورا پرتاب کرده است.

قصاص

مصطفی در حالی که اصرار می کرد در قتل بی گناه است و ناخواسته پسر نوجوان را از پای درآورده، در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و به قصاص محکوم شد.

نقض حکم

پرونده با اعتراض مرد اعدامی برای رسیدگی تخصصی به دیوان عالی کشور از جاع داده شد و از آن جایی که در گزارش پزشکی قانونی علت تامه مرگ اعلام نشده بود، قضات دیوان عالی کشور حکم صادر شده را شکستند و خواستار رسیدگی دوباره به پرونده در همان شعبه شدند.

نظریه پزشکی

بدین ترتیب، کارشناسان پزشکی قانونی با دستور قضایی به بررسی های جدید دست زدند و در گزارشی اعلام کردند چاقو از پشت قفسه سینه به ریه برخورد کرده است و پس از پارگی ریه در قلب فرونشسته



تحلیل کارشناس

دغدغه بیرونی در تربیت جوانان

دکتر رضا احمدی روان شناس و استاد دانشگاه اصول تربیتی، سبک خانوادگی، محیط جامعه، گروه همسالان و تکنیک های تربیتی و آموزش مدارس و... تعیین می کنند که فرد در جامعه و محدوده زندگی خود، فردی سالم یا مجرم باشد.



برخی نوجوانان و جوانان موارد غیر اخلاقی را یاد می گیرند و جزئی از رفتار و شخصیت شان می شود. نقش خانواده در این میان مهم است زیرا اگر خانواده به طرز صحیحی به فرزند خود خطایی را که انجام داده تذکر دهد و نظارت بیشتری روی رفتار فرزندان داشته باشد قطعاً فرزنددانی که به اصول غیر اخلاقی روی می آوردند، تنبیه می شوند و راه نادرست را نمی روند.

خانواده موفق در جامعه دارای نشانه هایی است. خانواده ووالدین وظیفه اصلی شان پرورش فرزندان و تحویل افراد سالم به جامعه تلقی می شود بنابراین خانواده ای موفق به حساب می آید که به فرزندان خود مهارت های بی شماری را بیاموزد و فرزند آن زیر چتر موهبت ها و نوازش های صمیمانه والدین رشد یابد.

والدین باید از ظرفیت ها و توانمندی فرزندان خود به نحوی استفاده کنند و آن ها را مورد تشویق قرار دهند تا اگر فرزندان در برهه ای از زندگی دست به کار خلاف زدند یا اخلاق مداری را به چالش کشانند، راه برگشت داشته باشند و پذیرش از سوی والدین نیز در این بین مقوله مهمی به شمار می رود زیرا فرزنددانی که مسئولیت پذیر و وظیفه مدار رشد می کنند قطعاً اگر کار خلافی هم از آن ها سرزند باز به کانون خانواده بازمی گردند. روابط گسترده و صمیمی بین اعضای خانواده سبب می شود فرزند آن راه های غیر اخلاقی را انتخاب نکنند و اصولاً در چنین خانواده هایی هر عضو به انجام وظایف خود آشناست. اگر فرزند آن در خانواده احساس آرامش و امنیت را تجربه کنند قطعاً راه درست را برگزیده و موارد غیر اخلاقی روی رفتارشان تاثیر نخواهد داشت. اما در مقابل فرزنددانی که راه خلاف را انتخاب می کنند و انجام رفتار های غیر اخلاقی برای شان عادی است در خانواده هایی رشد یافته اند که در کانون خانواده مدام شاهد درگیری و نزاع و بد رفتاری بوده اند.

پشتیبانی و حمایت به موقع از فرزند سبب می شود کمتر به انجام رفتار های غیر اخلاقی روی بیاورد در حالی که متأسفانه برخی خانواده ها حمایت لازم و کافی را با فرزند سالاری اشتباه می گیرند و همین فرزند سالاری سبب می شود جوانان عملکرد مثبت خانواده را نادیده بگیرند و هنجار ها و ارزش ها و سنت های خانواده را زیر پا گذارند. وقتی در جامعه سلسله مراتب خانواده به هم می ریزد قدرت مشروع والدین کاهش پیدا می کند و خانواده نفوذی بر رفتار های در دست فرزند آن نخواهد داشت. در جامعه امروزی سنت طلبی، سنت خواهی از بین رفته و تاثیر مخرب رسانه ها و فضای مجازی روی رفتار جوانان سایه انداخته به همین علت است که خیلی زود جوانان حرمت شکنی می کنند و به حرف والدین بی توجه می شوند. هجوم رسانه ها از بیرون جوانان را دچار از خود بیگانگی می کند و اطاعت از دستورات والدین برای شان بی ارزش می شود.

کابوس وحشت دختر تهرانی در گاوداری

راتسلیم نیت شوم خود کرد بعد با بی احترامی من را راهاکر دورفت.

تایید پزشکی

با شکایت سمیرا، این دختر با دستور قضایی به پزشکی قانونی معرفی شد و وقتی پزشکی قانونی آزار و اذیت و ضرب و جرح وی را تایید کرد پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

بازداشت مرد شوم

با دستور قضات خیلی سریع ماموران پلیس با راهنمایی های سمیرا دست به کار شدند و افشین را به دام انداختند.

در دادگاه

در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز به ریاست قاضی تولیت برگزار شد دختر جوان به تشریح شکایتش پرداخت و گفت: ابتدا قرار بود من و افشین همدیگر را در یک رستوران با هم ملاقات کنیم اما چون صاحب گاوداری بود ادعا کرد کاری برایش پیش آمده است و من خواست تا به گاوداری بروم. وقتی به آن جارقتم اسیر و سوسه شیطانی شدم مرا آزار داد. چون اعتراض کردم مرا کتک زد و تهدید کرد در این باره به کسی حرفی نزنم من از او شکایت دارم. سپس افشین به دفاع پرداخت و گفت: من سمیرا را آزار ندادم و او خودش برای صحبت کردن در باره ازدواج پیش من آمد. اما چون فهمیده من صاحب گاوداری و پولدار هستم به دروغ چنین موضوعی را علیه من مطرح کرده تا من را اخاذی کند. او حتی پیشنهاد داده تا پول میلیونیه او را به بردارم تا اعلام گذشت کند.

ارسال بدسر اسر نقاط مشهد

شعبه دیگری ندارد

رستوران

مرغ فقط مرغ مجید

بلوار فرودگاه، نبش پروین اعتصامی ۶ رستوران مجید

۳۳ ۴۴ ۳۳ ۴۴

سرقتی است. ماموران به سرعت برای دستگیری دزدان وارد عمل شدند و دستور ایست دادند ولی سر نشین خودرو به سرعت سوار بر خودروی ۲۰۶ شد و هر سه دزد از محل گریختند. دزدان برای این که راه نجاتی برای خود پیدا کنند پس از گذشت مسافتی وارد بزرگراه لشگری شدند که سرانجام، فرار دزدان با شلیک تیر هوایی ماموران پایان یافت و ماموران کلانتری موفق شدند خودروی فراری ها را در بزرگراه لشگری در حوالی تهرانسر متوقف و هر سه تبهکار را دستگیر کنند.

دزدان پژو ۲۰۶ در تعقیب و گریز پلیسی با شلیک ماموران زمین گیر شدند. ساعت یک بامداد جمعه ۵ مهر امسال، ماموران پلیس هنگام گشت زنی در محدوده بزرگراه لشگری متوجه رفتار مشکوک راننده ودو سر نشین یک پژو ۲۰۶ شدند. ماموران رفتار مردان مر موز را تحت مراقبت قرار دادند تا این که یکی از سر نشینان پژو ۲۰۶ از خودرو پیاده شد و به سمت پژو پارس که در کنار خیابان پارک شده بود، رفت. تیم پلیسی برای بررسی موضوع پلاک خودرو ۲۰۶ ا استعلام کردند که مشخص شد خودرو

تسلیم دزدان

تهرانی با

شلیک پلیس